

مللی جویا ، ۱ میزان ۱۳۹۴



خبر مرگ مشکوک شاهرخ زمانی، کارگر مبارز در زندان مخوف رژیم سفلیک ایران قلب هزاران هزار انسان مدافع آزادی، برابری و عدالت را اندوهگین ساخت. من هم با نیروهای آزادیخواه و پیشرو ایران در سوگ از دست دادن این فرزند اصیل خلق خود را شریک دانسته و مرگ دردناک او را ضایعه بزرگی برای جنبش مترقی ایران می دانم.

رژیم ددمنش «ولایت فقیه» حتی از صلابت مبارزان فداکار و وطندوست در کشتارگاه های شان هراس داشته درصدد نابودی فزیکي آنان برآمده و به این شکل میکوشد جلو آگاهی و مبارزه حق طلبانه مردم را بگیرند اما فراموش میکنند که با پرپر شدن هر فرد آگاه و جان گذشته جامعه، مبارزان دیگری زاده می شوند و پرچم مبارزه سرخ تر می گردد.

شاهرخ عزیز طی نامه ای از زندان به دخترش نوشته بود:

آگاهی و اندیشیدن تنها چیز خطرناکی برای حاکمان و سرمایه داری است چرا که هر انسان را بسوی مبارزه با ظلم و ستم میکشاند. بلی به همین دلیل است که جنایتکاران چون نابودی خود را در بیداری و وحدت زحمتکشانشان می بینند دست به هر نوع جنایت و بی رحمی علیه عناصر آگاه و انقلابی می زنند.

شاهرخ مثل تعدادی از روشنفکران اخته افغان در برابر دردهای ملتش بی تفاوت نبود، او به مثابه یک فرد آگاه و باوجدان تا سرحد تثار جاننش برای بهروزی مردمش رزمید. او در نامه یادشده به دخترش نوشته بود:

چگونه می توانم به سرنوشت صدها هزار کودکان کار و خیابان و ده ها هزار دختران و آواره خیابان ها در کنار ثروت های هزار میلیاردی طفیلی های انگل با ماشین های چند میلیاردی شان بی تفاوت باشم؟

با شاهرخ بزرگ کاملاً موافقم که «عاقبت ستمگران و ظالمین زباله دان تاریخ است.» پس بر هر فرد روشنفکر، آگاه و وطن دوست است تا دست بدست هم داده در راه آزادی، عدالت اجتماعی و دموکراسی واقعی تا آخرین رمق حیات سعی و پیکار نماید تا روز خجسته فروریزی کالج ستمگران حاکم را کوتاهتر سازد. جز مبارزه و قبول ریسک برای ایده آلهای انسانی، هیچ راه دیگری برای رهایی از ستم و استبداد و وحشت وجود ندارد.

برماست که از انسانهای بزرگ و شرافتمندی چون شاهرخ زمانی آموخته آنان را در زندگی خویش الگو قرار دهیم.